

وقتی CNN ماشه را می چکاند!

✦ سرتیپ محمد ال الف
استاد کالج ملی جنگ در دانشگاه دفاع ملی
ایالات متحده
ترجمه: مینا خدادادی
کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی



اشاره

اختراع رادیو در آغاز قرن نوزدهم تغییراتی اساسی در اداره جنگ در سطوح استراتژیک، اجرایی و تاکتیکی به وجود آورد. از لحاظ استراتژیکی، باعث ظهور فرضیه بمباران استراتژیک شد. از لحاظ اجرایی، روش‌های جدید هواپوردهی نظامی و تسلیحات الکترونیکی را ارائه داد و از لحاظ تاکتیکی، افق‌های جدیدی برای فرماندهی و کنترل در میدان جنگ گشود.

در آغاز قرن بیست و یکم پوشش تلویزیونی بی‌وقفه و فوری با وجود سناریوها و گزینه‌های بیشتری که داشت، همچنان همان کارکرد مشابه را ایفا می‌کند. درگیر شدن بیش از حد رسانه‌های بین‌المللی در جنگاوری مدرن باعث شده است تا مؤلفه مؤثری در مناقشات نظامی باشند و به طور چشمگیری بر لشکرکشی‌های ایالات متحده تأثیر بگذارند. رسانه‌های خبری کنونی، به پیچیده‌ترین فناوری‌های ارتباطی مجهز شده‌اند و کارکردهای قوی‌تری دارند و تغییرات دراماتیکی را بر امنیت ملی، استراتژی نظامی و سطوح عملیاتی جنگ‌های مدرن تحمیل می‌کنند.

هدف این مقاله بررسی چگونگی تأثیرگذاری CNN بر سیاست امنیتی، ارتش ملی و استراتژی‌های عملیاتی ایالات متحده است. من معتقدم که سیاستگذاران و رزم‌آوران ارتش برای طراحی لشکرکشی‌های نظامی در آینده باید خود را با عامل CNN تطبیق دهند. من به طور دقیق تاریخ روابط ارتش و رسانه را دنبال و سیر تکاملی توانایی‌های فناورانه قدرتمند رسانه را بر سرعت، تمرکز بر اطلاعات و جو زمان جنگ بررسی می‌کنم. سپس گستره تأثیرگذاری عامل CNN را در ارتباط با نقش رو به رشد آن در جنگ‌های ایالات متحده در نظر می‌گیرم و به تحلیل آن می‌پردازم.

چشم‌انداز تاریخی روابط رسانه- ارتش

یکی از دراماتیک‌ترین پیشرفت‌ها در جنگ‌آوری‌های معاصر، ظهور اخبار رسانه به عنوان عنصر قدرتمند در میانه جنگ‌هاست. هرگز جهانیان در تاریخ جنگ‌آوری‌ها، صحنه‌ای نظامی به صورتی زنده نظاره نکرده بودند. اگرچه، درگیر شدن رسانه‌ها در پوشش خبری جنگ‌ها پس از طی مناقشات طولانی میان رسانه و ارتش به وجود آمده است. پوشش رسانه در جریان جنگ‌های ایالات متحده، پدیده دیرینه اجتماعی و اقتصادی آمریکایی بود که آثارش را می‌توان در جنگ مکزیکی یافت. رابطه رسانه و ارتش در ایالات متحده، که موضوع مورد علاقه نویسندگان نظامی و غیرنظامی است، از دیرباز در امتداد جنگ‌های ایالات متحده مشاهده شده است. در گذشته‌های بسیار دور در جنگ‌های داخلی ژنرال‌ها، خبرنگارها را به خاطر گزارش‌هایشان از خط مقدم تهدید به مرگ می‌کردند. اقدامات زیادی صورت گرفت تا چارچوبی معین شود که هر دو نهاد طی زمان جنگ به فعالیت مناسب

بپردازند. دو عامل بحرانی به طور بنیادی جایگاه و نقش رسانه‌ها را در جنگ شکل داده‌اند: اول، اولین اصلاحیه حمایت از آزادی مطبوعات و دوم، ارزش‌ها، کارکرد و مصلحت‌های حاکم بر فعالیت رسانه. رسانه، خود را یک سیستم سنجش و توازن و یک منبع غیروابسته در ثبت تاریخ می‌داند و بر حقی که در برابر کارکرد قانونی خود دارد، استوار است. همچنین حق عموم آمریکایی‌ها می‌داند که پوششی جامع و به‌موقع از نتیجه، نمایش و عملکرد جنگ را به آنها ارائه دهد. از طرف دیگر، ارتش دلایل امنیتی برای محدود کردن دسترسی رسانه به میدان جنگ را عنوان می‌کند و تا آنجا که ممکن است، جلوی پخش اطلاعات مفصل درباره عملیات کنونی و آینده را می‌گیرد. این دو عامل بر اجرای هر دو نهاد تأثیر می‌گذارد و روابط آنها را روابطی متقابل و دارای تعارض قرار می‌دهد.

درگیری آمریکایی‌ها در جنگ به دو مقوله اصلی دسته‌بندی می‌شود: جنگ‌ها و مداخلات. به طور کلی، جنگ‌ها برای ایالات متحده منفعت‌های اساسی به همراه دارد و در اغلب موارد، مورد حمایت عموم قرار می‌گیرد. ویتنام یک استثنا بود. رسانه در اغلب جنگ‌های ایالات متحده، تحت کنترل امنیتی شدید انجام به کار کرده و دسترسی محدودی به مناطق جنگی داشته است. طراحی و اجرای استراتژی‌های نظامی به دور از رسانه‌ها انجام گرفته است. برعکس، در مورد جنگ‌های ایالات متحده و مداخلات آن ابهامات زیادی وجود دارد. اخبار رسانه و مردم در ایالات متحده، کم و بیش با ساختارهای پیچیده فرصت‌ها، تهدیدها و هزینه‌های تصمیمات گرفته‌شده، هم‌فکر هستند. این امر باعث شده تا حکومت برای رفع ناامیدی خود نسبت به حمایت عموم به گزارشگران اجازه دهد تا به مناطق جنگی دسترسی آزادی داشته باشند و بگذارند تا آنها پوشش به موقع با کنترل امنیتی کم داشته باشند. در عوض، رسانه باید با سیاست همدردی و استراتژی نظامی حمایت کند.

در جنگ جهانی اول رسانه تحت کنترل نظامی شدید فعالیت می‌کرد. در نتیجه هیچ تأثیر قابل توجهی بر سیاست امنیت ملی و استراتژی نظامی نداشت.

در جنگ جهانی دوم، اخبار رسانه تحت محدودیت‌های کمتری فعالیت می‌کرد و حوادث جنگی را به سرعت گزارش می‌داد. هواپیماهای

بمبافکن قبل از برگشتن به آشیانه می‌توانستند اخبار زنده مخابره‌شده از مأموریتشان را بشنوند. رسانه حمایت قابل توجهی از سیاست امنیتی ملی و استراتژی نظامی می‌کرد. بنابراین، حمایت نامحدودی برای تلاش‌های جنگی ایجاد کرد. همکاری بین دو نهاد طی جنگ دوم جهانی دوستانه و شراکتی بود.

جنگ کره با توجه به قدرت رسانه‌ها و تأثیر آن بر سیاست، موردی متفاوت بود. در اوایل دهه ۱۹۶۰ تلویزیون به عنوان ابزاری برای پوشش رسانه در جنگ به وجود آمد اما به دلایل تکنیکی نمی‌شد از آن بهره‌برداری کاملی کرد. رسانه در ابتدا از استراتژی‌های نظامی حمایت می‌کرد و در جلب حمایت عموم موفق بود ولی در تحمیل موضوعات مورد بحث روز ناتوان بود.

ویتنام داستان متفاوتی داشت. اولین جنگی بود که پوشش تلویزیونی بیش از حدی از جنگ با استفاده از ابزارهایی با فناوری بالا را نمایان کرد. رسانه‌های ایالات متحده از این که دسترسی نامحدودی به مناطق جنگی داشتند و تحت قوانین ضعیف فعالیت می‌کردند، لذت می‌بردند. رسانه در اوایل جنگ، حامی استراتژی‌های نظامی بود. با گسترش جنگ، سیاست ایالات متحده دچار ابهام و عقیده مردم درباره جنگ حساس شد. اخبار رسانه نقش اصلی را نه تنها در گزارش جنگ، بلکه در ایجاد مباحثاتی در کشور درباره سیاست ضعیف و استراتژی نظامی نسنجیده داشت. حمایت عموم مردم از جنگ مدام کم می‌شد و کاملاً واضح بود که با توجه به روابط ارتش و رسانه، بی‌اعتمادی زیادی شکل گرفته است. نتایجی که از جنگ ویتنام گرفته شد، زمینه‌ساز روابط آینده بین دو نهاد شد و تأثیر قطعی بر تفکر استراتژیک ایالات متحده و اجرای استراتژی‌های آینده نظامی گذاشت. برای سه دهه بعد رسانه درباره تمام درگیری‌های نظامی ایالات متحده سؤال می‌کرد و عموم مردم ایالات متحده درخواست جنگ‌های کوتاه‌مدت‌تر با تلفات کمتر داشتند.

سندرم ویتنام در سال ۱۹۸۳ به گرانادا و در سال ۱۹۸۹ به پاناما آمد. عملیات ارتش ایالات متحده به نام «خشم فوری» در گرانادا، اولین مناقشه‌ای بود که رسانه از همان ابتدا از گزارش محروم شد، مگر اینکه تحت کنترل شدید نظامی باشد. ارتش سیستم ائتلاف را معرفی کرد که در آن گزارشگران نگهبان داشتند و گزارش‌هایشان

هم مورد بازبینی قرار می‌گرفت. از نظر رسانه، این سیستم پاسخ درستی به درخواست‌های آنها مبنی بر پوشش آزاد نبود.

در «طوفان کویر» سیاستگذاران ایالات متحده متوجه این موضوع شدند که ارتش از حمایت مردم از CNN برای بهره‌برداری به نفع خود سوء استفاده کرده است. اخبار رسانه در سطح ملی به عنوان ابزاری قدرتمند برای شکل‌دهی به این بحران استفاده شد تا عموم مردم را بسیج کرده و روند رو به رشد ملی‌گرایی را تقویت کند. در سطح استراتژی نظامی، منظره متفاوتی بود. وزارت دفاع برای اطمینان از پوشش مقدماتی ساختار ایالات متحده سیستم سانسور نظامی را دوباره فعال کرد و قوانینی وضع نمود که رسانه برای پوشش جنگ تحت آنها فعالیت کند. این قوانین شامل گزارش همراه با سانسور نظامی، نگهداری نظامی و مرور امنیتی قبل از انتشار می‌شد. مرکز فرماندهی ایالات متحده قوانین وزارت دفاع را بسط داد و در طی عملیات، قوانین امنیتی بسیار سختی را وضع کرد و یک سیستم مرور بر رونوشت مقرر داشت که با واکنش تندی از جانب گزارشگران مواجه شد. در سطح عملیاتی، فرماندهان میدان جنگ محدودیت‌های دیگری نیز تحمیل کردند. برخی رهبران نظامی باور داشتند که حضور رسانه در میدان جنگ غیر ضروری و مضر است.

تحلیلگران در تحلیل خود درباره پوشش جنگ به دو اردوگاه تقسیم شدند. برخی معتقد بودند که رسانه با وجود محدودیت‌های نظامی پوشش مستقلی از جنگ ارائه داده است. پیت ویلیامز - معاون دبیر دفاع از حقوق مردم - اظهار داشت: مطبوعات بهترین پوششی که در توان داشتند از جنگ به مردم آمریکا ارائه دادند. دیدگاه دیگر این بود که گرچه عملکرد رسانه با عملکرد ایده‌آل فاصله زیادی داشت، اما محدودیت‌های پنتاگون مانع شد تا خبرنگاران با ژنرال‌ها بجنگند. جنگ خلیج فارس تا سال‌ها در روابط رسانه و ارتش تیرگی به وجود آورد. دیدگاه مضمون رسانه به ارتش هنوز هم از بین نرفته و پرسش گزارش آزاد، بی‌قید و بدون سانسور همچنان بدون پاسخ مانده است.

رسانه با تکنولوژی بالا در محیط نظامی
توانایی‌های تکنیکی باعث بهبود روابط ارتش و رسانه شد. رسانه با تجهیزات پیچیده‌ای که دارد،

از لحاظ تکنیکی در موقعیت قوی‌تری است و برای سیاست‌های پر تکاپوتر دارای انگیزه است. همه اینها می‌توانند بر عملیات نظامی تأثیرگذار باشند و بنابراین، استراتژی‌های نظامی باید خود را با این محیط جدید وفق دهند.

پیشرفت‌های تکنولوژیکی به رسانه اجازه داده است تا با توانایی‌های ارتش آشنا شود و آنها را به عنوان عامل مؤثر و مستقیم در عملیات‌های نظامی در نظر بگیرد. در حال حاضر رایانه‌ها، بزرگراه‌های اطلاعاتی، فناوری چندرسانه‌ای، تلفن‌های همراه و تجهیزات مخابره ماهواره‌ای در دسترس گزارشگران هستند و برای آنها شرایطی را مهیا می‌کنند تا ارتباطی مستقیم برای پوشش وسیع و فوری داشته باشند، بدون اینکه دست به دامن سیستم ارتباطی ارتش شوند. CNN این توانایی را در شرح حمله‌ها در بغداد به نمایش گذاشت. با وجود قطع ارتباط تلفنی در عراق در طی اولین حمله‌های هوایی، CNN توانست دقایقی از طریق ماهواره قابل حمل برای پخش زنده ارتباط برقرار کند. این برای اولین بار در تاریخ جنگ بود که از پایتختی که تحت حمله هوایی قرار دارد، برنامه زنده مخابره می‌شد. فناوری می‌تواند پوشش رسانه را تأثیرگذارتر و گیراتر کند. امروزه، دیسک ماهواره‌های متحرک پوشش تصویری زنده از جنگ را مقدر می‌سازند. ایمیل، انتقال دیجیتال عکس و رونوشت عینی توانایی‌های گزارش‌دادن را افزایش داده‌اند.

طی پنج سال گذشته سیستم‌های ارتباطی جدیدی معرفی شده‌اند که به ارتباطات جهانی سرعت و دقت بالایی بخشیده‌اند. شبکه‌های ماهواره‌های نزدیک به زمین صدا، اطلاعات، فکس و خدمات پیچینگ را در سراسر دنیا مهیا می‌کنند و انعطاف‌پذیری و سرعت رسانه را بهبود داده‌اند. تجهیزات سبک گزارشگران، قابلیت اتصال بهتر و وابستگی کمتر به سیستم‌های نظامی را دارا هستند و حتی در دورافتاده‌ترین مناطق عملیاتی هم قادر به فعالیت‌اند.

CNN و امنیت ملی ایالات متحده

سیاست‌های ایالات متحده کاملاً به مسائل سیاسی، اقتصادی، استراتژیکی و لشکرکشی مرتبط‌اند و سیاستگذاری‌ها احتیاج به تفکری استراتژیک دارند. رسانه‌های ایالات متحده برای این روند کند و عمیق هیچ زمانی در نظر نگرفته‌اند. تقابل آمریکا و چین نمونه‌ای بارز از

شکل‌دهی و سیاست‌گذاری در اخبار رسانه است که به عنوان نیروی محرک برای اختیارات سیاسی عمل می‌کند. مهم‌ترین خصیصه‌ای که طی این بحران به وجود آمد، تمرکز رسانه بر روشی بود که دولت برای این بحران بین‌المللی تدارک دید. تقابل آمریکا و چین دو قاعده کلی را اثبات می‌کند: اول، محیطی که تصمیمات امنیتی ملی در آن گرفته می‌شود و با توجه به حضور CNN دیگر محرمانه و اختیاری نیستند. دوم، انتخاب‌های ایالات متحده باید متفاوت و آزادانه باشند تا بتوانند پاسخگوی بحران‌های بین‌المللی باشند. این بحران تأثیری بنیادی را نشان می‌دهد که رسانه بر تصمیمات سیاسی ایالات متحده با توجه به جنگ، مداخلات و مدیریت بحران داشته‌است. جان شاتوک - معاون وقت مشاور امنیت ملی ایالات متحده - اظهار کرد: رسانه، ما را به سومالی برد و بعد بیرون کرد.

ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور سابق آمریکا بیانیه‌ای بحث‌انگیز درباره تأثیر اخبار رسانه بر امنیت ملی منتشر کرده است. وی می‌گوید: قصد پشت پرده این گزارش دقیق و بی‌رحم هر چه می‌خواهد باشد، نتیجه‌اش تضعیف روحیه جدی جبهه جنگ و به‌وجود آمدن این سؤال است که آیا آمریکا قادر به جنگیدن با دشمنان خارجی با قدرت و اتحاد داخلی‌اش هست یا نه. اغلب روزنامه‌نگاران با چنین سخنی مخالف‌اند. آنها در این باره بحث می‌کنند که رسانه به عنوان رکن چهارم خواسته است آمریکا در ویتنام از بین نرود. علاوه بر این، سیاست و اعتبار ملت و دولت را با چاپ سیاست بی‌ارتباط و بتنام به چالش کشیده، باعث شده است تا عموم مردم درباره مصلحت‌های ملی ایالات متحده که مخالف با نیت جنگ است، سؤال کنند. جنگ خلیج فارس استانداردهایی را برای مباحثه درباره ایالات متحده پایه‌ریزی کرد. کارشناسان و تحلیلگران بی‌شماری درباره جنگ به مردم آمریکا فرصت بحث درباره سیاست، استراتژی، عملیات‌ها و حتی تاکتیک‌های جنگی دادند. عامل CNN بررسی صریحی از مصلحت، هزینه‌ها، خطرات و ارزش‌های عمومی را ارائه داد و به مردم ایالات متحده اطلاعات غیررسمی درباره لشکرکشی که استراتژی نظامی در آن نقش دارد ارائه می‌دهد. همچنین درباره مهم‌ترین ارزش‌های کشور آمریکا در زمان جنگ، توافقی عمومی به وجود

آورد. سیاستگذاران هرگز یک مباحثه ملی درباره استراتژی نظامی را دوست ندارند، چون رسانه را به عنوان تعیین کننده سیاست و تحمیل کننده فرایند امنیت ملی نمایش می دهد. اگرچه، نفوذ چنین تحلیل فشارآوری را نمی توان به راحتی پیش بینی، کنترل و سانسور کرد، به ویژه که در زمان جنگ رسانه های متعدد و رقیب وجود دارند.

به هر حال هیچ شواهدی وجود ندارد که اخبار رسانه، قادر به مجبور کردن سیاستگذاران برای تغییر سیاست هایشان باشد، به ویژه در مواردی که به جنگ و صلح مربوط می شود. اگرچه، تحت شرایط درست، اخبار رسانه می تواند تأثیر قدرتمندی بر شکل دهی به محیط ملی نشان دهد که تحت آن، سیاست های بحرانی اتخاذ و تصمیمات جنگی گرفته می شود.

CNN و استراتژی نبرد ایالات متحده

را معین کرد و در چهارمین فصل قرن بیستم جنگ های ایالات متحده را هدایت می کرد و به طور حتم در دهه های بعدی هم تغییرات دیگری را تحمیل می کند.

در عصر CNN، هدایت جنگ کاملاً تحت تأثیر قرار می گیرد. دوربین قدرتمند، جنگ را به عموم مردم نشان می دهد. همه عملیات نظامی برای تمام جهان به نمایش درمی آید. در آینده استراتژی های نظامی با توجه به قوانین بین المللی موضوعات جدیدی را به همراه خواهد داشت. رسانه کاملاً آماده است تا این مسائل را تا آخر دنبال کند. فرماندهان نظامی باید پاسخ های قانونی و سیاسی در برابر سؤالات زیاد نقض قوانین بین المللی داشته باشند؛ مثلاً شدت عمل بیش از حد، ویرانی بدون مرز، به کارگیری تسلیحات و مهمات ممنوع شده بین المللی و استفاده غیرقانونی از زمین، هوا،

طی پنج سال گذشته سیستم های ارتباطی جدیدی معرفی شده اند که به ارتباطات جهانی سرعت و دقت بالایی بخشیده اند. شبکه های ماهواره های نزدیک به زمین، صدا، اطلاعات، فکس و خدمات پیچینگ را در سراسر دنیا مهیا می کنند و انعطاف پذیری و سرعت رسانه را بهبود داده اند. تجهیزات سبک گزارشگران، قابلیت اتصال بهتر و وابستگی کمتر به سیستم های نظامی را دارا هستند و حتی در دورافتاده ترین مناطق عملیاتی هم قادر به فعالیت اند.



دژیا و فضا، نقض ابزارهای بین المللی و دوجانبه، درستی اهداف، تلفات غیرنظامی، تدابیر نظامی غیرضروری و ویرانی ساختارهای فرهنگی و مذهبی. اخبار رسانه مهم ترین عامل در ارائه برنامه جنگ واقعی، انگیزه واقعی در زیر نورافکن ها بود. این برنامه به بحث احتمال از بین رفتن حمایت عمومی از ارتش ایالات متحده و دیدگاه های بین الملل درباره حقانیت و اعتبار جنگ های ایالات متحده می پرداخت. از نظر تاریخی، در اروپا در مورد اغلب نقض های نظامی چنین انتقادهایی انجام نشد تا اینکه دهه های بعد مدارک رسمی مبنی بر درستی این نقض ها پخش شد. در عصر CNN که پوشش آنی از جنگ ارائه می شود، تمام دنیا مراقب خواهد بود تا کاری نکند که نتوان برای آن چاره ای اندیشید.

از زمان جنگ ویتنام، استراتژی نبردهای نظامی ایالات متحده محکوم به آن شد تا دقیق و سریع باشد و تلفات و صدمات کمی به بار آورد. با توجه به اینکه متخصصان نبردهای نظامی انتخاب های زیادی پیش رو ندارند، این دیدگاه درباره استراتژی نبرد نظامی دیدگاه ضعیفی است. یک جنگ وقت گیر تلفات زیادی در بر خواهد داشت و هیچ انتخاب دیگری برای متخصصان استراتژی های جنگی باقی نخواهد گذاشت. این مسئله قابل قبول نیست و مورد تأیید و حمایت افکار عمومی ایالات متحده نیست. در این چارچوب، CNN نقش اصلی در سیر تکاملی استراتژی های نظامی ایالات متحده داشته است. به عبارت دیگر، اخبار رسانه از زمان ویتنام ماهیت، طرح نهایی و سیر تکاملی استراتژی های نظامی

گزارش‌های آنی رسانه باعث تغییرات بنیادی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک می‌شود. سیاست‌گذاران و متخصصان استراتژی‌های نظامی باید در زمان تصمیم‌گیری‌هایشان انعطاف به خرج دهند تا به نفوذ رسانه در ذهن عموم سرعت بخشند. این یک رقابت پویاست که متخصصان استراتژی باید مطمئن شوند که استراتژی‌های آنها همچنان در صدر است. این بدان معناست که آنها باید به صورت همزمان در دو جبهه باشند: جبهه جنگ و جبهه میهن.

درگیری‌های اخیر نظامی ایالات متحده، در خلیج فارس، بوسنی و کوزوو، الگوی جدید سیاست‌گذاری نظامی را نشان می‌دهند. مقامات سیاسی و فرماندهان ارشد نظامی در پاسخ به گزارش‌های نظامی در مورد تلفات غیرنظامی

شده، گزارش‌ها آنرا مثل یک آدمکشی افراطی نمایش می‌دادند. نیروهای ائتلافی هم از ماجرای بزرگراه مرگ عصبانی بودند. شوارتسکوف یادآوری می‌کند که: در واشنگتن، مباحثات بر سر آدمکشی‌های افراطی شدت گرفته بود، حتی فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها می‌پرسیدند که تا کی باید به جنگ ادامه دهیم. این ماجرا فشار سیاسی عظیمی را نشان داد که بر متخصصان استراتژی‌های نظامی و فرماندهان برای پایان جنگ با توجه به فعالیت‌هایشان در جنگ حاکم بود.

قطعاً جنگ و لشکرکشی‌های نظامی باعث وحشت‌آفرینی می‌شود. هر بمبی که می‌افتد، از لحاظ سیاسی حساس است و در سراسر دنیا پخش می‌شود و تأثیر عظیمی بر نحوه اجرای عملیات

برای پیروزی در جنگ‌های آینده، تصمیم‌گیری باید از مسیر طبیعی خود خارج شود. این موضوع زمانی قابل اجراست که رسانه از همان ابتدا در جریان تدابیر نظامی باشد. بدیهی است، اخبار رسانه در جنگ‌آوری مدرن نقش مهم‌تری دارد. اخبار رسانه، بخش تکمیل‌کننده استراتژی نظامی است. نویسندگان طرفدار جنگ و ضد جنگ بحث جالبی را درباره نقش رسانه در زمان جنگ مطرح می‌کنند: مهم‌ترین مبارزه در آینده در میدان جنگ رسانه‌ای رخ می‌دهد.

استراتژی‌های نظامی ایالات متحده در آینده می‌توانند در یک محیط پیچیده، چندفرهنگی و حساس کار کنند. چنین محیطی موقعیت‌هایی بحث‌انگیز به وجود می‌آورد که برای فعالیت رسانه بسیار مطبوع است.

گزارش‌های آنی رسانه باعث تغییرات بنیادی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک می‌شود. سیاست‌گذاران و متخصصان استراتژی‌های نظامی باید در زمان تصمیم‌گیری‌هایشان انعطاف به خرج دهند تا به نفوذ رسانه در ذهن عموم سرعت بخشند. این یک رقابت پویاست که متخصصان استراتژی باید مطمئن شوند که استراتژی‌های آنها همچنان در صدر است. این بدان معناست که آنها باید به صورت همزمان در دو جبهه باشند: جبهه جنگ و جبهه میهن.

و صدماتی که طی آن بوجود آمده، به سطوح تاکتیکی روی آورده‌اند. از گذشته تصمیمات مربوط به انتخاب اهداف و کنترل تیراندازی با فرمان‌های اجرایی و تاکتیکی اجرا می‌شده است که اغلب در لندن، پاریس و واشنگتن انجام می‌شد. نمایش اجساد غیرنظامیان در جنگ خلیج فارس باعث شد تا پنتاگون و مرکز فرماندهی ایالات متحده زمان زیادی را برای شرح وقایع پشت پرده این هدف‌گیری صرف کنند. قدرت باور نکردنی دوربین فشار را بر متخصصان استراتژی‌های نظامی و فرماندهان افزایش داده و ثابت کرده است که قادر به درهم ریختگی موضوعات استراتژیک و اجرایی است. در ماجرای «بزرگراه مرگ» اخبار رسانه بر اجساد و ویرانی‌ها متمرکز بود و از کشته‌شدگان بی‌گناه صحبت می‌کرد. شوارتسکوف اینطور می‌نویسد که پاول به من اطلاع داد که کاخ سفید عصبانی

می‌گذارد. فرماندهان نظامی در قرن بیست و یکم باید اطمینان داشته باشند که چه بخواهند و چه نخواهند، همه چیز روی صفحه‌های تلویزیون نمایش داده می‌شود. مدیریت رسانه باید به جای مدیریت وحشت از اجزای استراتژی‌های نظامی آنها باشد. استراتژی نظامی باید با اخبار رسانه همگام شود تا اطمینان یابد که وحشتی که در مبارزه پدید می‌آید و در رادیو و تلویزیون بازتاب می‌یابد، حمایت بین‌المللی و داخلی را از بین نمی‌برد.

در عصر *CNN* درگیری مقامات سیاسی و استراتژیک در طراحی تاکتیک و عملیات نظامی همچنان به صورت یک سؤال باقی مانده است. این موضوع می‌تواند تأثیر منفی و درازمدتی بر استراتژی نظامی داشته باشد و به طور قطع باعث افت در اهمیت سطح اجرایی جنگ شود. این دستورالعمل کاملی برای شکست در جنگ است.

CNN در سطوح اجرایی

به دلیل افزایش قدرت رکن چهارم و تأثیر آن بر سیاست امنیتی و نظامی ایالات متحده و استراتژی نظامی، کاملاً می‌توان فرض کرد که محیط اجرایی تغییرات قابل توجهی را تجربه کند. امروزه *CNN* بخش جدانشدنی مراکز اجرایی و اطلاعاتی نظامی در نهادهای امنیت ملی، اداره‌های مرکزی نظامی و نمایندگان سیاست خارجی است. *CNN* در این سطح، دو کارکرد اجرایی دارد: یکی ارتباطات و دیگری، جاسوسی. تبادل پیام‌های آنی به طور مستقیم و غیرمستقیم میان دو طرف جنگ در جنگ خلیج فارس که نوعی گفت و گوی استراتژیک بود که فرماندهان نظامی قصد داشتند از طریق آن به ذهن دشمن رخنه کنند و قصد آنها را بخوانند، باعث یک خصومت زود هنگام شد. ارتباطات زنده شوارتسکوف با صدام حسین طی جنگ خلیجی



و آخرین تلاشش در دست‌کاری عقاید عموم، صفحه‌های تلویزیون را به کانال‌های ارتباطی تبدیل کرد که عملاً به ابهامات و حساسیت‌های جنگ افزود.

کارکرد رسانه در فضای جاسوسی عمیق‌تر و تبدیل به یک نگرانی جدی برای فرماندهان و افسران نظامی شده است. امروزه اتاق‌های اداره جنگ، با صفحه‌های تلویزیون مجهز شده‌اند تا حتی قبل از آنکه شبکه‌های جاسوسی سنتی گزارش دهند، اطلاعات تاکتیکی و جاسوسی آنها مهیا شود. رسانه تبدیل به منبع مهم جاسوسی شده است. در واقع، به تنها منبع در دسترس تبدیل شده است، که قادر به ارائه اطلاعات فوری است، مثل: آرایش قشون، مجهز شدن، سیستم‌های جنگ‌افزار، آموزش، روحیه دادن به جنگجویان، جنگیدن، آمادگی جنگی، ارزیابی تأثیر مانور و همچنین تأثیر افزایش حملات. با دقت تصویری حداقل پنج متر، صف‌آرایی سربازان و جاگیری هواپیماها در صفحه تلویزیون کاملاً واضح است. نه تنها دشمنان بلکه مشاهده‌کنندگان بی‌طرف و تحلیلگران نظامی نیز می‌توانند حرکت سربازان را مشاهده کنند. مهم‌ترین برنامه‌های نظامی که بسیار محرمانه‌اند، در معرض دید تمام تماشاچی‌ها در سراسر دنیا قرار می‌گیرند، که مشابه این امر در جنگ خلیج فارس رخ داد. حضور فیزیکی *CNN* در اتاق‌های عملیات، با توانایی نمایش تصاویری با وضوح فوق‌العاده بالا ترکیب شده و زمینه‌های جاسوسی را فراهم می‌کند. متخصصان نظامی پیش‌بینی می‌کنند زمانی فرا خواهد رسید که فرماندهان ارتش برای انجام عملیات‌های آینده از پیش‌بینی‌های رسانه‌ها کمک بگیرند. آلوین و هایدی تافلر اینگونه استدلال می‌کنند که: ماهواره اکتشافی پنهان شدن از دید رسانه را برای مبارزان غیرممکن می‌کند و با توجه به اینکه همه‌جا می‌توان تصاویر ویدیویی را دید، برنامه‌های زنده از مناطق جنگی تغییر حرکت و استراتژی‌های جنگ را مورد تهدید قرار می‌دهند.

فرماندهان و افسران نظامی باید بدانند که دوربودن از رسانه یا هدایت عملیات جنگی در انزوا از ترس اینکه رسانه به منطقه یا اتاق عملیاتی آنها دسترسی پیدا نکند، بسیار مشکل است. آنها راه‌های کمی برای کنترل تأثیر رسانه تحت عنوان امنیت عملیاتی دارند. روند طرح‌ریزی نمی‌تواند از دست عامل *CNN* فرار کند. افسران

و صاحب منصبان بدون در نظر گرفتن زمان و منابع به راحتی نمی‌توانند اهداف اجرایی خود را دنبال کنند. این مسئله در واکنش به هر بحرانی که رسانه به نمایش می‌گذارد و همچنین در سهیم شدن شکل‌دهی به فضای تعادل نهاد رسانه و ارتش نیز صدق می‌کند.

نتیجه

پوشش زنده جنگ‌های ایالات متحده، بعد اطلاعاتی جنگ‌آوری مدرن را تقویت کرده است. امروزه رسانه قادر به سبقت گرفتن از عملیات نظامی است. ارتش به این موضوع به عنوان تهدیدی در برابر امنیت اجرایی می‌نگرد و با سانسور برنامه‌های رسانه این موضوع را تلافی می‌کند. این کار یک اقدام امنیتی تاریخی است که باعث ایجاد تیرگی روابط، عدم اطمینان و سوءتفاهم دوجانبه ارتش و رسانه می‌شود؛ همان‌طور که آرتور لوبو می‌گوید: بدگمانی سربازان و خبرنگاران به یکدیگر میراث به‌جامانده از جنگ است. بنابراین نوعی تطبیق دوجانبه است.

با توجه به درک دوجانبه کارکرد، توانایی‌ها، محدودیت‌ها و ملاحظات حرفه‌ای رسانه و ارتش، لازم است چارچوبی جدید برای روابط آنها ایجاد کرد. ارتش تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند حق مشروط رسانه در دسترسی آزاد به جنگ‌های آمریکا را انکار کند. رسانه باید همچنان ایالات متحده و ملل دنیا را مخاطب قرار دهد و به طور مستقل اطلاعات محکم و معتبر تاریخ را مخابره کند. از طرف دیگر رسانه باید به نیاز ارتش درباره مسائل امنیتی احترام بگذارد. گرچه، معیارهای مرسوم امنیت اجرایی باید مورد بازبینی قرار گیرند. معیارهای مرسوم امنیتی اجرایی در عملیات‌های آینده معتبر نیستند. موقعیت سربازان و تجهیزات به قصد و نیت فرماندهان اشاره نمی‌کند. تصاویر ماهواره‌ای با کیفیت تصویر بالا و *uplink*‌های ماهواره‌ای بسیار بدون شک امنیت میدان جنگ را تغییر می‌دهند و اجرای عملیات تحت قوانین شدید امنیتی، لزوم سانسور نظامی و مرور امنیتی را منتفی می‌کنند. این مسئله و رای تقویت لجستیک مرسوم و حمل و نقل گزارشگران در میدان جنگ، همکاری دو نهاد رسانه و ارتش را با یکدیگر متفاوت می‌کند.

منابع و مآخذ

اطلاعات، رسانه و امنیت ملی، واحد درسی کالج

ملی جنگ، پائیز ۲۰۰۱
کوئینا، جان آر و رونفلت، دیوید. در اردوگاه آتنا، آماده شدن برای مناقشه در عصر اطلاعات. مؤسسه تحقیقات دفاع ملی (زند)، ۱۹۹۷
اتیل، نانسی. ارتش و رسانه: مواجهه با آینده. مجموعه کنفرانس‌های کانتینگنسی، بنیاد حامی ملی روبرت مک کورمیک، ویتون، ایلینواس

گوبل، داکلاس. ج. روابط ارتش - رسانه: محیط رسانه در آینده و تأثیرش بر عملیات‌های نظامی، یک گزارش تحقیقی از کالج جنگ هوایی، دانشگاه هوایی، آوریل ۱۹۹۵
گوتزاک، ماری. «عملیات ابر بیابان: رسانه و جنگ خلیجی»، مجله سیاست جهانی، تابستان ۱۹۹۲، شماره ۹

گراسمن، لری. سگ‌ها و شغال‌های جنگ، مجری دولت، سپتامبر ۱۹۹۱
هیل، ریموند. روابط ارتش - رسانه در آینده، رسانه به عنوان هنر پیشه در اجرای جنگ. مقاله تحقیقی از کالج فرماندهی هوایی و افسری ارشد، مارس ۱۹۹۷

لانگ، توماس. ج. ارتش و رسانه در عملیات توفان بیابان، برنامه مطالعات امنیت ملی، دانشگاه جورج تاون، آوریل ۱۹۹۱
لیمن، والتر. افکار عمومی، انتشارات آزاد، جلد کاغذی، چاپ اصلی، نیویورک مک میلان، ۱۹۹۲
نای، جوزف. تعریف دوباره مأموریت ناتو در عصر اطلاعات، نشریه ناتو، بروکسل، زمستان ۱۹۹۹، شماره ۴۷

ریک، چارلز. و. روابط ارتش - اخبار رسانه: اندیشیدن به آینده، مؤسسه مطالعات استراتژیک، کالج لشکر جنگ ایالات متحده، دسامبر ۱۹۹۳
شختر، دنی. «جنگ ... و صلح»، مجله ملت، شماره ۲۲۶، نشریه ۹، نیویورک، ۱۶ مارس ۱۹۹۸
شرینر، برایان. «جنگ تصاویر: رسانه و جنگ خلیجی»، مجله مطالعات جنوب آسیا و خاورمیانه، زمستان ۱۹۹۱، شماره ۱۵

استیج، فرانک. ج. «فتح جنگ‌های *CNN*». فصلنامه کالج لشکر جنگ ایالات متحده، پائیز ۱۹۹۴
استروبل، وارنر. پ. رسانه: تأثیر بر سیاست خارجی در عصر اطلاعات.

WWW. Department of State, International Information Programs, US Foreign Policy Agenda, March 2000 - The Making of US Foreign Policy.htm